

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ع. شفق
۲۸ اپریل ۲۰۲۰

بحران کرونا، سوسیالیسم یا بربریت!

در حالی که ویروس کرونا در بیش از ۱۸۰ کشور جهان در حال شخم زدن هستی و درو کردن جان انسانهاست، شبیح یک هیولای مرگبار دیگر که مترصد نابود کردن هر چه بیشتر حیات و هستی انسانها پس از اتمام دوران شیوع کروناست، از میان گرد و غبار سخنرانی های آتشین سخنگویان طبقه حاکم در جهان ظاهر می شود. در همه جا صحبت از یک "دوره جدید"، ضرورت "بازسازی اقتصاد" جهان پسا کرونا، ضرورت تغییر "شیوه زندگی" انسانها و ... در میان است. اما، با کاربرد این عبارات ظاهراً زیبا و دهان پُرکن، در واقعیت امر، سرمایه داران و سیاستمداران شان از هم اکنون و عده یک تعرض گسترده به سطح زندگی توده های فرو دست را داده و از برنامه های وحشتناکتر و نفس بُر ریاضت اقتصادی خود برای "نسل های آینده" خبر می دهند.

ویروس کشنده کرونا، علاوه بر خلق یک فاجعه هولناک علیه بشر در قرن بیست و یکم، پرده از یک بیماری مرگبارتر که همانا نفس وجود سرطانی به نام نظام سرمایه داری در تار و پود زندگی بشری ست، برداشته و ضرورت حل تضاد موجود در بطن این نظام، یعنی تضاد بین نیروهای مولده با روابط تولیدی (یا همان مناسبات ارتجاعی حاکم) را مقابل وسیعترین لایه های افکار عمومی نگران و چشم به راه "راه حل" به نمایش گذارده است. بهشت خیالی که در طول چند دهه به صورت عوامفریبانه با تبلیغات راجع به نعمات "نئولیبرالیسم" و "خصوصی سازی" و رها ساختن مدیریت اقتصادی به "مکانیزمها و نیروهای خود بازار"، به مثابه "مدل جدید توسعه سرمایه داری" برای کل جامعه، تبلیغ می شد، اکنون با شیوع ویروس کرونا (کووید ۱۹) و تبعات آن، یکبار دیگر ماهیت جهنمی و چهره زشت ضد مردمی خود را نشان داده و عمق عفونت و گندیدگی نظام جهانی امپریالیسم و ناتوانی آن در تضمین جان، کار، کرامت و هستی انسانها را ظاهر کرده است. تمام به اصطلاح ارزشهای مورد استناد دولت های سرمایه داری به نمایندگی از طبقه سرمایه دار که در دهه های اخیر و به ویژه پس از سقوط دیوار برلین و اضمحلال "اردوگاه شرق" با الفاظ پوچی نظیر "حقوق بشر"، "دمکراسی" و "فرصتهای برابر و به دور از تمایزات طبقاتی" به خورد طبقه کارگر و توده های ستم دیده داده می شد، مانند دانه برف در شعله های آتش شیوع کرونا آب شده اند.

کرونا تا کنون خطوط تولید بسیاری از بخشهای بزرگ صنعت و کالا و خدمات را در خاک بزرگترین غولهای اقتصادی جهان نظیر چین و امریکا و متوقف کرده و سرمایه داران و دولتهای شان میلیونها کارگر را بیکار و

بدون کمترین اقدامات حفاظتی مؤثر و پایدار، به خانه فرستاده اند. هم اکنون شمار متقاضیان کمکهای بخور و نمیر دولتی در آمریکا یعنی بزرگترین اقتصاد "آزاد" دنیا به ۲۲ میلیون نفر رسیده و صف دریافت غذای مجانی در برخی ایالات این "مهد فرصت و آزادی" به چند کیلومتر می رسد! در سال جاری مطابق برآوردهای صندوق بین المللی پول، نرخ بیکاری در کشورهای حوزه یورو ۴۰ درصد افزایش خواهد یافت و مطابق تحقیقات همین نهاد بورژوازی، شیوع ویروس "کووید ۱۹" - البته در چارچوب مناسبات ارتجاعی نظامهای حاکم بر جهان- پانصد میلیون نفر از جمعیت جهان را در فقر فرو خواهد برد. (گزارش ۱۴ اپریل رادیو فرانسه)

برای داشتن یک تصویر مؤجز و گویا از ابعاد بحران کنونی باید اشاره کرد که اگر در جریان بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ با از بین رفتن صد ها میلیارد دالر از ارزش دارائی های موجود، اقتصاد جهان معادل ۷ دهم درصد کوچکتر از قبل شد، در بحران کرونا تا این لحظه، اقتصاد جهان ۳ درصد کوچکتر از قبل شده (بی بی سی فارسی ۱۴ اپریل ۲۰۲۰) که یک جنبه این رویداد، به معنای از بین رفتن ده ها تریلیون دالر از منابع و ثروتهائی ست که اساساً به دست طبقه کارگر و زحمتکشان و با خون و رنج آنان تولید شده است.

از سوی دیگر، دامنه بحران کنونی گریبانگیر نظام سرمایه داری و چشم انداز رشد اعتراضات و انفجار خشم توده ها که بنا به جبر تاریخ، لاجرم مسیری جز پیمودن در جاده انقلاب جلو آن نیست، وحشت سرمایه داران و سخنگویان سرمایه داری را برانگیخته است. تا جایی که مرتجعترین سخنگویان طبقه حاکم نظیر کیسینجر که از زمره طراحان بزرگترین سیاستهای تجاوزکارانه و ضد مردمی امپریالیسم آمریکا در سطح جهانی بوده اند، با مشاهده "افول" شدید و سریع شاخصهای اقتصادی در آمریکا که از زمان ابر بحران اقتصادی سال ۱۹۳۰ تا کنون "بی سابقه" توصیف شده، (صدای آمریکا، ۲۸ فروردین [حمل]) "صراحتاً از "زنگ خطر" و بحرانی در نظام امپریالیستی صحبت می کند که در صورت عدم "مدیریت" آن "جهان به آتش کشیده خواهد شد". (هنری کیسینجر، وال استریت ژورنال) در مورد مشابه دیگری، بلندگوهای طبقه حاکم در انگلیس با مشاهده شرایط حاصل از شیوع کرونا و نتایج آن، از وقوع "بحران اقتصادی بی سابقه در ۳۰۰ سال اخیر" در این کشور اظهار نگرانی می کنند و سازمان تجارت جهانی هشدار می دهد که همهگیری کرونا ممکن است به "عمیقترین رکود اقتصادی تاریخ بشر" منجر شود. در گوشه دیگر از کمپ قدرتهای جهان امپریالیستی کرونا زده، یعنی اتحادیه اروپا نیز وضع بهتر از این نیست. سیاستمداران بورژوا با مشاهده روند جاری، حتی از احتمال "سقوط اتحادیه اروپا" در اثر بحران کنونی صحبت می کنند. برخی از آنان در ایتالیا با شکایت از شرکای خود، پرچم اتحادیه اروپا را در مقابل دوربین تلویزیون ها جمع کرده و پرچم ایتالیا را به جای آن می آویزند.

در چنین شرایطی بلندگوهای سرمایه داری جهانی در تمام کشورها به طور دائم مشغول عوامفریبی در مورد چگونگی شیوع ویروس کرونا و پنهان کردن نقش نظام ضد مردمی خویش در ایجاد شرایطی می باشند که منجر به افزایش و تشدید عواقب مرگبار این فاجعه بر حیات و هستی مردم دنیا و به ویژه طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم گشته است.

نگاهی به چگونگی برخورد و سیاستهای اتخاذ شده از سوی طبقه حاکم نسبت به شیوع ویروس کرونا نشان می دهد که اکثر قریب به اتفاق دولتها به خاطر سود و حرص و آز سرمایه داران و ادامه فعالیت اقتصادی به شیوه معمول خود، در ابتداء با پنهان کردن این بیماری مرگبار و سرعت شیوع آن از افکار عمومی، با عدم اطلاع رسانی شفاف و آگاهی دهنده به مردم، و عدم انجام اقدامات پیشگیرنده به موقع از جمله انجام تست، ضد عفونی کردن گسترده مکان های لازم و اجرای به موقع برنامه قرنطینه، بر شدت ضربات مرگبار شیوع این ویروس بر حیات توده ها

افزودند. همچنین برای هر ناظر آگاهی روشن است که با توسعه سیاست‌های خانمان برانداز امپریالیستها در مورد "خصوصی سازی" سیستم بهداشت عمومی، سرمایه داران و دولتهای شان حتی در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری با امر تأمین بهداشت و سلامت افراد جامعه نیز به عنوان یک کالا برای کسب سود و نه برای رشد سلامت و ایمنی جامعه برخورد کرده اند. در نتیجه، فقدان سرمایه گذاری های لازم در زمینه تحقیق و توسعه در سیستم بهداشت عمومی باعث شده تا سیستم موجود نتواند در چنین شرایطی با امکانات هر چه بهتر و مجهز تر، توان برخورد با همه گیری ویروس کرونا را داشته باشد؛ سیاستی که عواقب مرگبارش را هنگام شیوع این ویروس نشان داد و همه شاهد بودند که در مواجهه با خیل مبتلایان، اکثریت مطلق سیستم بهداشت این کشورها از دستگاه های لازم برای کمک به مداوای بیماری نظیر دستگاه های تنفسی به اندازه کافی، برخوردار نبودند و هنوز هم نمی باشند. این واقعیت دردناک باعث شده که ویروس کرونا به طور بی وقفه در حال ستاندن جان توده های تحت ستم و آسیب پذیر بیشتری در سراسر جهان باشد. بنا بر تازه ترین آمار منتشر شده توسط "رادیو فرانسه"، تا تاریخ یکشنبه ۳۱ فروردین [حمل] (۱۹ اپریل ۲۰۲۰)، بیش از ۲ میلیون و ۳۳۲ هزار نفر در جهان به ویروس کرونا (کووید-۱۹) مبتلا شده‌اند که نیمی از آن در اروپا بوده است. همچنین تا این تاریخ ۱۶۰ هزار و ۷۶۷ نفر بر اثر بیماری کرونا جان خود را از دست داده‌اند. البته مطابق آمارهای محققان دانشگاه "جان هاپکینز" در امریکا، آمار واقعی مبتلایان در سطح جهان بین ۵ تا ۱۰ برابر ارقام رسمی اعلام شده می باشد. اما این آمار هر چه باشد یک واقعیت، انکار ناپذیر است و آن این که در غیبت وجود یک واکسین و یا داروی قابل اطمینان و در شرایط رسوائی سترونی ظرفیتهای پزشکی موجود و روشن شدن ناتوانی نظام بهداشت جهانی برای حفظ جان انسانها، سایه وحشت و فقدان چشم انداز روشن راجع به چگونگی روند پیشروی و مقابله با این بیماری، هر روز بیش از پیش بر زندگی صدها میلیون تن از محرومان و گرسنگان و لشکر بیکاران و بی چیزان، از امریکا گرفته تا افریقا و از اروپا گرفته تا آسیا و اقیانوسیه، سایه افکنده است.

با همه گیر شدن ویروس کرونا تا آنجا که به واکنش دولتها در جهان و برنامه های عملی آنان در مبارزه با کرونا بازمی گردد نیز پیام سرمایه داران رذل حاکم برای میلیاردها تن از مردم دنیا و به ویژه محرومان و گرسنگان روشن است. آنها به شیوه های گوناگون به افکار عمومی می گویند که دولتها فاقد واکسین و دارو و امکانات حداقل پزشکی برای درمان کرونا و نجات جان شما هستند. به این ترتیب آنها بار مقابله با این همه گیری و هزینه های آن را اساساً به عهده توده ها گذاشته اند. می گویند که تنها کاری که می توان کرد این است که خود را "قرنطینه" کنید و "فاصله گذاری اجتماعی" را رعایت کنید. آنها سپس با بیشر می تمام، تحت عنوان ضرورت اجرای "ایمنی گله ئی" مدعی می شوند که باید "۷۰ تا ۸۰ درصد" مردم این بیماری را بگیرند تا بدن انسان در مقابل آن "مصون" شود. آنگاه مانند شیوع طاعون و وبا و ... این مشکل نیز "حل" خواهد شد و اضافه می کنند "البته در این راه "متأسفانه" تعدادی (بسته به تخمینهای متفاوت، تا ۴۵ میلیون نفر) از مردم دنیا و در واقع از آسیب پذیرترین اقشار جامعه به لحاظ اقتصادی و بهداشتی، ممکن است که جان دهند!" آری، این است "راه حل" سرمایه داران برای مقابله با فاجعه کرونا". چنین است که با گذشت چند ماه از شروع شیوع ویروس کرونا، در حالی که کمر کارگران و زحمتکشان در زیر بار فشار ناشی از شرایط کنونی خم شده، طراحان عوامفریب نتولیرالیسم بار دیگر نشان داده اند که در این اوضاع بحرانی، تنها و تنها سود و افزایش سرمایه است که برایشان مهم است و نه جان و نیازهای طبیعی انسانها.

واضح است که فاجعه کرونا (جدا از قایل شدن منشاء انسانی و یا طبیعی برای آن) مانند هر پدیده مرگبار دیگری در چارچوب نظام سرمایه داری و به رغم تبلیغات طبقات حاکم، بر ثروتمند و فقیر، بر سرمایه دار و کارگر به یکسان تأثیر نمی گذارد. این واقعیت نفرت آور، یعنی شدت عواقب حاصل از یک بلای مرگبار بر روی طبقات محروم، به قدری برجسته است که روزنامه لوموند دیپلماتیک نیز در توصیف تفاوت شرایط "قرنطینه" برای بالائی ها و پائینی ها به توصیف یک وضعیت عینی پرداخته و می نویسد "زمانی هرگز نمی شد تصور کرد که میکروب یک بیماری حاد موجب قرنطینه ای در زمان صلح شود که جدارهای فضای اجتماعی را در هم شکند: آیا بانکدار وال استریت و کارگر چینی هردو در معرض خطری یکسان نبودند؟ و سپس پول و ثروت جایگاه خود را بازیافت. از یک سو، محصور شدگان در ویلاها، که درحالی که پنجه پایشان در استخر بود دورکاری می کردند، از سوی دیگر، نادیده شدگان روزمره، کارکنان خدمات درمانی، مأموران خیابانی، صندوق داران سوپرمارکت ها و مزد بگیران تدارکات، یکباره از سایه خارج شدند زیرا در معرض خطری هستند که ثروتمندان از آن در امانند. دورکارانی که در آپارتمان هائی تنگ و کوچک کار می کنند که پسر بچه ای خردسال در آن جیغ می زند یا بی خانمان هائی که خیلی دوست دارند بتوانند در خانه بمانند" (لوموند دیپلماتیک فارسی ۱۰ اپریل ۲۰۲۰)

علاوه بر این "نابرابری" نفرت آور، آنها در کشورهای مدعی "فرصتهای برابر"، کمبود وحشتناک وسایل و تجهیزات پزشکی حتی برای کادر درمانی و عدم توزیع عادلانه همان اندک منابع موجود بین آحاد جامعه، در شرایط گسترده شیوع ویروس، کار را به جایی رسانده که در پیشرفته ترین کشورهای مدعی حقوق بشر و دموکراسی دنیا، سیاست "پزشکی جنگی" راهنمای پزشکان و کادر درمانی قرار گرفته و اقدام به معالجه بیماران را بر اساس سیستم گزینشی انجام می دهند، به این معنا که در هنگام گزینش رسیدگی به مبتلایان، اشخاص جوانتر و سالمتر برای دریافت خدمات پزشکی انتخاب می شوند و در مقابل چشمان اشکبار بستگان و خانواده های رنجیده بیماران دیگر، تعداد هر چه بیشتری از سالمندان و انسانهای آسیب پذیر در این مهد های حقوق بشر و دموکراسی به خاطر کمبود دستگاه ها و تجهیزات پزشکی و درمانی مثل تخت بیمارستان و دستگاه های تنفسی، از مدار خدمات پزشکی موجود خارج و آشکارا محکوم به مرگ می شوند. بدون این که حتی امکان دفاع از حق ابتدائی خویش یعنی حق زندگی، در یک "دادگاه" را داشته باشند!

در چنین شرایط غیر انسانی و هولناکی ست که ما می بینیم در کالیفرنیا امریکا و در مناطقی دور از چشم مردم، قبرهای دست جمعی برای دفن قربانیان کرونا حفر می شود و در اکوادور، ارتش صد ها جسد مانده در خانه های فقراء را به دلیل عدم تمکین مالی آنان، مدتها پس از مرگ جمع آوری می کند. یا در زیر حاکمیت دیکتاتوری جمهوری اسلامی، جسد مبتلایان به کرونا در محله های فقیرنشین تهران در سطل زباله رها می شود.

سرمایه داران و طبقات حاکم برای حفظ چهره کریه نظام خویش با بوق و کرنا به تعریف و تبلیغ در مورد "سخاوت" دولتهای شان در زمان کرونا در حق بینوایان پرداخته اند و از اعطای بسته های چند صد میلیارد دلاری و تریلیون دلاری برای جبران خسارات اقتصادی وارد بر "مردم" سخن می گویند. اما نیازی به چشمان تیزبین هم نیست تا پی به فریبکاری آنها برده شده و معلوم گردد که این بسته های اقتصادی اساساً برای نجات سرمایه داران، صاحبان انحصارات و کارتلها و شرکتهای غول آسای هواپیمائی و بانکی و ... (در واقع برای تأمین سود آنها) به بازار سرازیر می شوند و تنها درصد بسیار ناچیزی از این مبلغ به میلیونها کارگر و زحمتکش جوامع اختصاص داده می شود. تازه، این بخشندگی نه به خاطر نجات کانونهای در هم شکسته شده خانواده های کارگری و بی بضاعت بلکه به خاطر نجات سرمایه داران حاکم از شورش تهیدستان و گرسنگان به جان آمده علیه نظام است که

صورت می گیرد. البته با وعده های ریاضت اقتصادی که هم اکنون از سوی دولتها برای آینده داده می شود، معلوم است که چگونگی تأمین صورت حساب همین چندرغاز پرداختی نیز از همین الان با نقشه بالا بردن مالیات ها پس از کرونا از جیب حقوق بگیران و مالیات دهندگان عادی پیش بینی شده است.

همانطور که مارکس، اندیشمند کبیر طبقه کارگر نشان داد بحرانهای اقتصادی، ذاتی تکامل نظام سرمایه داری هستند. او با مطالعه قوانین حاکم بر تکامل نظام سرمایه داری، ثابت کرد که در هر موج بحران گریز ناپذیر سرمایه داری، حجم بزرگی از نیروهای مولده به دلیل تلاش سرمایه داران رذل به منظور حفظ سود سرمایه به طور طبیعی و یا مصنوعی توسط آنها نابود شده و از بین می روند. او نشان داد که فلاکت و بدبختی حاصل از نابودی این نیروهای مولده و بحرانهای گریبانگیر این نظام بیمار بر دوش طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم سرشکن می شود. بحران کرونا یکبار دیگر حرفهای مارکس را بدون نیاز به ارائه تفاسیر تئوریک و نظری در روندهای عینی ثابت کرد.

اگر با فروریختن دیوار برلین و فروپاشی نظام اقتصادی -سیاسی شوروی پیشین که به دروغ خود را "اردوگاه سوسیالیسم" معرفی می کرد، وضعیت جدیدی به وجود آمد که امپریالیستهای غرب توانستند بازارهای بزرگی را از کف آن قدرت میرنده برابند و برای خود تامدتی فضای تنفسی جدیدی فراهم کنند، اما حتی این فروپاشی و فضای پس از آن، دردهای بی درمان نظام سرمایه داری را مداوا نکرد. در آن مقطع، بورژوازی جهانی بر بستر این تحولات، تعرض ایدئولوژیک سیاسی بزرگی را به کمونیسم در سراسر دنیا سازمان داد و از "پایان تاریخ" و پایان بحران نظام خویش سخن گفت و بخش بزرگی از اپورتونیستها و رفرمیستها هم با بلند کردن پرچم سفید به مداحان امپریالیسم بدل شدند. اما طولی نکشید که حبابهای تنفس سرمایه داری یکی پس از دیگری ترکیدند و در دوره پسا شوروی و پایان جهان دو قطبی، جهان امپریالیستی با چندین موج دیگر بحران اقتصادی روبه رو شد که آخرین آن بحران مالی سال ۲۰۰۹ بود که بزرگترین بحران پس از ابر بحران سال ۱۹۳۰ نام گرفت و سراسر جهان را درنوردید. اکنون بار دیگر امواج بحران ذاتی نظام سرمایه داری با دامنه و گستردگی بیشتر، بر بستر بروز و شیوع کرونا خود را نمایانده و بی آیندگی و رسوائی و ناتوانی نظام سرمایه داری را برای برآوردن حتی احتیاجات ابتدائی بشر به نمایش گذارده و کوس رسوائی تمامی خادمان سرمایه داری و دشمنان طبقه کارگر، رفرمیستها و رویونیستها و اپورتونیستها را به صدا درآورده که کاری جز فریب کارگران، دشمنی با کمونیستها و مداحی برای بورژوازی و تزه های نئولیبرالیستی آن نداشته اند.

امروز نیز از هر زاویه ای که به بررسی بحران ناشی از کرونا بنشینیم، صحت پیشبینی و تحلیل کمونیستها از جامعه سرمایه داری ست که از ورای امواج بحران کرونا خود را نشان می دهد. همه می بینند که نفس کشتار و ابعاد هولناک مرگ و نابودی حیات و هستی توده ها در اثر این ویروس، نتیجه شرایط دهشتناکی ست که حاکمیت نظام سود جو و ضد مردمی سرمایه داری در سطح جهان برای مردم و به ویژه طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم آفریده است. تا چنین نظام و مناسبات ارتجاعی بر پاست، جان و مال و هستی توده ها در معرض چنین فجایعی قرار خواهد گرفت.

از هم اکنون روشن است که به فرض ریشه کن شدن بلائی کرونا (که کسی نمی داند چه مدتی به درازا خواهد انجامید) در جهان پس از کرونا، هیولای بیکاری، گرانی و تورم و گرسنگی با "مدیریت" سرمایه داران، چنگالهای خونین خود را هر چه بیشتر بر پیکر زحمتکشان فرو خواهد برد. در جهان پس از کرونا تضاد بین امپریالیستهای غارتگر برای جبران خسارات خود -که هم اکنون نیز حادثر شده اند- تشدید خواهد شد و خطر جنگهای غارتگرانه

و تعرضات هولناکتر امپریالیستها به جوامع وابسته از طریق سرمایه داران وابسته به خود و رژیم های کارگزار شان افزایش خواهد یافت.

اما شرایط توصیف شده در فوق، تنها یک جنبه از تحولات و تضادهای کنونی هستند. این حقیقتی ست که سرمایه داران و دولتهای شان، همانطور که تاریخ حیات بورژوازی و امپریالیسم نشان داده، بار بحرانهای مرگبار خویش را بر دوش کارگران و خلقهای تحت ستم سرریز می کنند تا بتوانند به حیات استثمارگرانه و جبارانه نظام سرمایه داری تداوم بخشند. آنها این بار نیز بر بستر شیوع کرونا چنین می کنند. لیکن، این سیاست بدون هزینه نخواهد بود. شدت فشار و بحران اخیر بر زندگی "۹۹ درصدی" های بی چیز و محروم بدون شک شرایط ظهور موج نوین و گسترده یک جنبش ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی در همه جا علیه حاکمان را فراهم خواهد نمود. در نتیجه صحنه جهان پس از کرونا بدون شک صحنه تشدید نبرد بین طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم در سراسر زنجیره امپریالیستی با سلطه نفرت بار سرمایه داری با تمام تضادها و بحرانهای اجتناب ناپذیرش خواهد بود. واقعیتی که از هم اکنون و حتی در شرایط بسیار سخت قرنطینه، ما تجلیاتش را به صورت بروز دوباره تجمعات اعتراضی در ایران، لبنان و عراق و شاهدیم.

غول خفته جنبش طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده در زیر آوار مرگبار ناشی از خاکستر کرونا و جنایات سرمایه داری علیه توده ها با گامهای سهمگین در حال حرکت است. به اهتزاز درآمدن پرچم هائی بر پنجره های برخی محلات فرانسه که بر روی آن نوشته شده "بعد از کرونا، کمون!" به رغم محدود بودن آن به لحاظ شکل، اما پژواک کوچکی از گامهای همین غول را به نمایش می گذارد که بار دیگر از شیشه بیرون می آید تا خوابها و رؤیاهای خوش سرمایه داران در مورد بازسازی اقتصادشان به بهای تشدید استثمار و غارت طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم و افزایش سرکوب آنها را نقش بر آب کند.

سوسیالیسم یا بربریت، همان سؤال دیرینه ولی هنوز حل نشده ای ست که در صحنه سیاسی جهان پساکرونا هر چه بیشتر به پرچم راهنمای مبارزات کارگران و توده ها در صحنه نبرد با امپریالیسم و وابستگی تبدیل خواهد شد. وظیفه کمونیستها در سراسر جهان آمادگی و تقویت اتحاد بین خود به منظور نقش آفرینی شایسته در چنین صحنه ای ست.

فروردین [حمل] ۱۳۹۹